

## نگران نباشید!

مّتی ۶، ۲۵ تا ۲۷

«پس به شما می‌گویم، نگران زندگی خود نباشید که چه بخورید یا چه بنوشید، و نه نگران بدن خود که چه بپوشید. آیا زندگی از خوراکی و بدن از پوشاک مهمتر نیست؟ ۲۶ پرندگان آسمان را بنگرید که نه می‌کارند و نه می‌دروند و نه در انبار ذخیره می‌کنند و پدر آسمانی شما به آنها روزی می‌دهد. آیا شما بس باارزستر از آنها نیستید؟ ۲۷ کیست از شما که بتواند با نگرانی، ساعتی به عمر خود بیفزاید؟»

در اوایل قرن بیستم، زمانی که راه آهن برای رفت و آمد هرچه آسانتر درست شد یک شهردار در روستای کوچکی در آفریقا، شایعه کرد که این راه آهن در آنجا هم ساخته می‌شود. شهردار گفت که باید به سرعت هرچه تمام تر یک ایستگاه قطار بنا کنیم حتی قبل از این که ریل ساخته شود. گفت: «ما نباید این شانس را از دست بدهیم!» به همین جهت هم روستاییان مسولانه یک ایستگاه کامل قطار را ساختند... ولی در آخر هیچ قطاری وارد آن روستا نشد. قطارها به آن روستا وارد نشدند زیرا اصل ریل در آنجا ساخته نشده بود. زیرا همه ای این حرفها فقط یک شایعه بود. امروزه حتی می‌توان از این ایستگاه قطار که نه دارای راه آهن نه دارای قطار است دیدن کرد. این مکان نشانه‌ی خوبی است از این که افراد می‌توانند برنامه‌های اشتباهی در ذهن داشته باشند. تلاش زیاد ممکن است هیچ فایده‌ای نداشته باشد وقتی برنامه وابسته به برنامه کلی نیست. اشتباهاتی که ما انسانها همیشه مرتکب می‌شویم. به راستی ما انسانها همیشه در زندگی برنامه‌های اشتباهی را شروع می‌کنیم. ما در تمام زندگی خود یا خلق می‌کنیم یا نقشه می‌کشیم یا می‌سازیم و تمام این کارها می‌ماند در آخر نه به خدا ربط دارد نه به جهت خواست اوست. و به همین دلیل کارهای ما بی‌هدف می‌ماند. و با تمام تلاش و کوششی که ما به دوش می‌کشیم در آخر هیچ قطاری به ایستگاه قطار ما وارد نمی‌شود. و سرانجام یک دنیا ناامیدی و مرگ به طرف ما خواهد آمد و به ما ثابت می‌شود که همه‌ای این کارهای ما بیخودی بوده است و آنجاست که وجود ما بی‌دلیل و بی‌ارزش خواهد شد. اینکه امروز مسیح به ما می‌گوید نگران نباشید! به این معنی نیست که ما بی‌خیال همه چیز باشیم و دیگر نه کاری بکنیم و نه برنامه‌ای برای زندگی داشته باشیم. او این پند را به ما نمی‌دهد که بگوییم فقط بخوریم و بنوشیم چون در آخر خواسته یا ناخواسته می‌میریم. بلکه او می‌خواهد ما را متوجه این کند که خداوند آسمانی ما پشت هر کاری که ما می‌کنیم یا نمی‌کنیم وجود دارد. و این تنها پدر آسمانی ماست که می‌خواهد وجود ما را در روی زمین معنی بدهد. او به فکر همه چیز است از کوچکترین گرفته تا بزرگترین در نظر او می‌آید. و اوست که همه چیز را به هم ربط می‌دهد، چیزهایی که ما در روی این زمین انجام می‌دهیم را در کنار هم قرار می‌دهد. و اوست که ما را با برنامه‌ی خود به سوی هدف واقعی راهنمایی می‌کند. مسیح این را برای ما با مثل حیوانات و گیاهان روشن می‌کند. وقتی که خداوند ما به کوچکترین چیزها نظر می‌اندازد پس چقدر بیشتر به روی فرزندان خود نظر خواهد انداخت! او به تمام این چیزها ارزش و هدف می‌دهد. ولی به راستی ما انسانها طوری دیگر عمل می‌کنیم ما فقط به فکر چیزهایی هستیم که اکنون وجود دارند. ما به فکر ارتباط با خداوند نیستیم به مانند کسانی که ایستگاه قطار را ساختند ولی هیچ وقت به فکر ساختن ریل نبودند. بلکه بی‌ایمانانه هم به همان شکل رفتار می‌کنند. چون که ما به فکر چیزهای کنونی هستیم پس به فکر عاقبت و آخرت خود نیستیم و به همین دلیل به ما دنیا دل خوش می‌کنیم. بیشتر وقت‌ها متأسفانه ما لجوج و بی‌هدف عمل می‌کنیم. ما کار می‌کنیم زیرا به کار نیاز داریم. ما پولاً به دست می‌آوریم زیرا به پول نیاز داریم. و در این راه اگر کسی بخواهد مانع کار ما شود یا بخواهد کار ما را از ما بگیرد بلافاصله مریض می‌شویم و از درون خود را می‌خوریم و به این دلیل هم تا آخرین قطره‌ی خونمان در این راه می‌جنگیم. به این سبب ما کارهای روحی خود را فراموش کرده و به فکر چیزهای دنیوی هستیم. این همه اتفاق بد پیش می‌آید زیرا ما نخواستیم خداوند را در زندگی خود داشته باشیم و به این جهت ما در خود احساس می‌کنیم که دیگر کسی ما را دوست ندارد و برای چیزهایی ناراحتیم که در حقیقت در زندگی به ما کمکی نمی‌کند. اگر مسیح به ما می‌گوید که نگران نباشید! به این معنی است که او می‌خواهد ما را از تمام چیزهایی که بی‌هدف و بی‌معنی هستند رها کند. او می‌خواهد که از طریق ایمان دنیایی را به ما بشناساند که ما در آن قدرتی نداریم. در تصویر ایستگاه قطار که بیاز کردیم مسیح به ما نشان می‌دهد که ریل قطاری موجود می‌باشد و تمام کارهایی که می‌کنیم در آخر بر روی این ریل قطار به حضور خداوند در آسمان در می‌آیند. و در این کلام حتی مسیح دوبار از خداوند بزرگ حرف می‌زند و می‌فرماید: او تمام این کارها را انجام می‌دهد! ولی اگر خدایی وجود نداشت ما انسانها مسول قضاوت بودیم و با قانون خود کارها را پیش می‌بردیم. در این صورت میلیونها دلیل می‌توانست به وجود آید که دنیای ما را به سوی فساد و مرگ و نابودی بکشاند. بلکه اگر خداوند وجود نداشت هزاران دلیل وجود داشت که ما برای هر چیزی نگران باشیم. مسیح ما را در مقابل خدایی قرار نمی‌دهد که بی‌رحم باشد. بلکه خداوند ما را از صمیم

قلب دوست دارد به همین خاطر دلیلی وجود ندارد برای نگرانی! مسیح می خواهد که این نگرانی هایی که ما داریم را از میانه راه بردارد و در آن صورت است که ما واقعاً آزاد می شویم. اگر من با استرس و نگرانی به آینده خود بنگرم زود ناامید شده و در درون من نگرانی های بی پایانی به وجود می آید. ولی اگر من ایمان داشته باشم که خداوند در تمام کارهای من در کنار من قرار دارد دیگر هیچ نگرانی گریباز گیر من نمی شود.. او مرا از این نگرانیها آزاد می کند تا من به کارهایی فکر کنم که خداوند به من داده است. و به همین جهت ما چیزهای اخلاقی و باارزش را دارا می شویم. مسیح نمی خواهد ما اکنون از چیزها و کارهای این دنیا فاصله بگیریم زیرا او می داند که ما به هر دوی آن نیاز داریم ولی او از ما می خواهد که اولاً به فکر آخرت و عدالت خداوند باشیم زیرا او خالق تمام چیزها است و نمی خواهد که آن ها را بی ارزش جلوه دهد. و در این راستا او انسانها را در بالاترین مرتبه قرار داد. این برنامه خداوند بود برای ما انسانها... خداوند می خواهد که ما در این راستا کاوش کنیم و چیزهای بهتری را کشف کنیم که به زندگی راحت تر ما کمک کند. او از ما می خواهد که ما کار کنیم و خلق کنیم و برای زندگی بهتری تلاش کنیم ولی از کارهایی که می تواند به زندگی ما و ارتباط بین ما و خداوند لطمه بزند خودداری کنیم. مثل عمری طولانی تر، پول بیش از حد و غیره. این چیزها در واقع همیشه لازمه زندگی نیستند. ثروت به ما نشانه می دهد که کشفهای بی ارزش می تواند به ما همیشه ضرر برساند و دنیای ما را به سوی نابودی سوق دهد. به همین دلیل مسیح می فرماید اول باید به فکر آخرت و عدالت خداوند بود و اگر اینطور باشد همه چیز می تواند در راه درست خود ادامه پیدا کند. به همین خاطر ما باید با تمام ایمان خود سر کار برویم و اگر هم جایی برای ما نبود باید بدانیم که خداوند برنامه ی دیگری برایمان دارد. زیرا خداوند ما را خوب می شناسد. او می داند که هر کدام از ما به چه چیزی نیاز داریم به همین خاطر ما هم می توانیم با خیال راحت با تمام این چیزها کنار بیاییم.

«مسیح! من از تو ممنونم! برای کارهایی که به من در این دنیا سپرده ای! به من کمک کن که راه تو را در زندگی خود بشناسم. در هر کاری به من درخشندگی ایمان و امید را عطا فرما. آمین